

فروپاشی شوروی، به باور بسیاری از تحلیلگران،

یکی از مهم‌ترین رویدادهای حوزه روابط بین‌الملل در قرن بیستم به شمار می‌آید.این واقعه‌نظم بین‌المللی را دستخوش تغییری نسبتاً ناگهانی کرد و تأثیراتی قابل توجه بر بسیاری از نهادها و ساختارهای بین‌المللی بر جا نهاد. به عنوان یک قاعده کلی، می‌توان گفت تغییر در مناسبات و روابط قدرت‌های بزرگ جهان می‌تواند اثرات بی‌بدیلی بر بسیاری از مؤلفه‌های ساختار و نظم بین‌المللی بر جا بگذارد.فروپاشی شوروی موجب تغییر ساختار قدرت از دوقطبی به تک‌قطبی (حداقل در کوتاه‌مدت)، تغییر ساختار اقتصادی (ایجاد نهادهای جدیدی مانند جی ۲۰ یا تغییر در نهادهایی مانند جی ۷)،افزوده شدن بازیگران جدید به صحنه بین‌المللی، از بین رفتن پیمان ورشو و تغییر در مؤلفه‌های نظامی نظم بین‌الملل و تغییراتی از این قبیل شد. خصومت شوروی و ایالات متحده، با فروپاشی آن کشور برای مدت حدود یک دهه (تا سال ۱۹۹۹) عملاً منتهی‌البدن شد. فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۹، تنش در روابط متحده طی جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹، تنش در روابط روسیه و آمریکا آغاز شد و تا امروز حوزه‌های دیگری نیز به مسائل تنش‌زای میان ۲ کشور اضافه شده است؛ این مناسبات طی سال‌های اخیر به‌مرور پیچیده‌تر شده، به‌گونه‌ای که به باور برخی، مناسبات میان ۲ کشور از ۱۹۷۳ (جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی) تاکنون تا این حد تنش‌آلود و توأم با خصومت نبوده است. در این مقاله، سعی بر آن است تا مؤلفه‌ها و مسائل حاکم بر روابط ۲ کشور مورد بررسی قرار گرفته و واقعیت‌های نظم بین‌المللی مورد تبیین قرار گیرد.

۱- **تنش؛ پس از مدتی آرامش**

با فروپاشی شوروی و جانشینی روسیه به‌جای آن، فصلی جدید در روابط ۲ کشور آغاز شد. هرچند گمان بر این بود که این رویداد اختلافات و خصومت‌های ۲ کشور را برای همیشه از میان می‌برد، تنها چند سال پس از جانشینی روسیه به‌جای شوروی، واقعیت‌های ژئوپلیتیک، خود را بر روابط ۲ کشور تحمیل کرد و روابط عادی، جای خود را به تنش ناشی از تهدیدات راهبردی داد.

■ **نقطه عطف**

اواخر دهه ۹۰ میلادی و در بوحوزه جنگ کوزوو و درگیری‌های آن منطقه، ناتو به بمباران یوگسلاوی سابق مبادرت کرد. البته پیش از این‌اقدام، تلاش آمریکا جهت گسترش ناتو به سمت شرق، رنگ خطر را برای روسیه به صدا در آورده بود. بمباران مارس تا ژوئن ۱۹۹۹ یوگسلاوی از سوی آمریکا را می‌توان در واقع نقطه عطفی در روابط روسیه و ایالات متحده به شمار آورد که مناسبات آن دو را از وضعیت عادی، وارد مرحله‌ای طولانی از تنش کرد که تاکنون نیز با افزوده شدن مسائل و مؤلفه‌های جدید، ادامه یافته است. بمباران یوگسلاوی سطح تنش را در مدت‌زمانی کوتاه تا حدی بالا برد که پلنسین (رئیس‌جمهور وقت روسیه) هشدار داد این اقدام می‌تواند به جنگی جدید در اروپا منجر شود یا در صورت ورود روسیه، جنگ جهانی جدیدی به وجود آورد.

۲- **قرن ۲۱، مسائل و حوزه‌های رقابت میان ۲ کشور**

به صورت کلی، می‌توان بسیاری از رویدادهایی را که در روابط آمریکا و روسیه، بویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد رخ داده است، همچنان در زمره مسائل باقیمانده و حل‌نشده بین ۲ کشور تلقی کرد. عمده‌ترین مسأله‌ی که میان ۲ کشور چالش‌زا بوده‌اند را می‌توان در چند دسته قرار داد:

-قراردادهای دوجانبه موشکی و سامانه‌های دفاعی

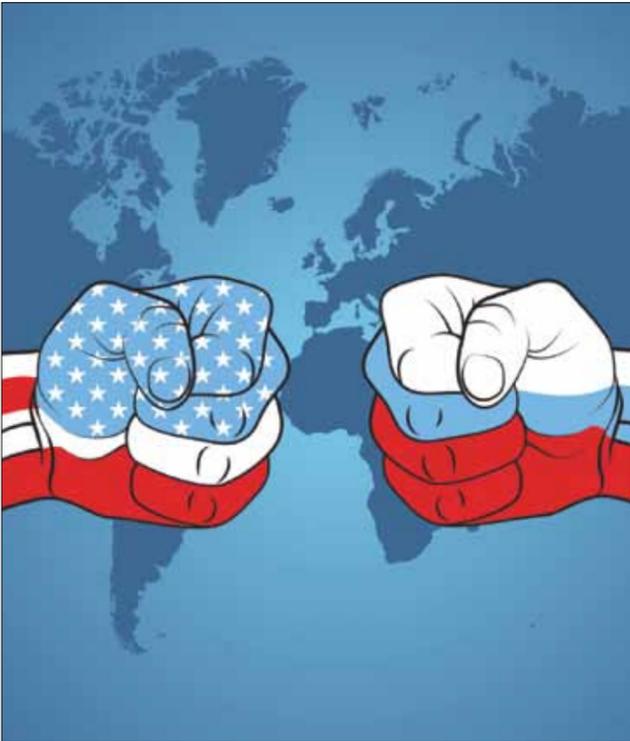
- دخالت در حوزه‌های نفوذ روسیه

- اتهامات متقابل دخالت در امور داخلی از سوی ۲ کشور

-الحاق کریمه

-بحران سوریه

- تحریم‌هایی که از سوی ایالات متحده و غرب علیه روسیه وضع شده است.



۱-۲- **قرار دادهای دوجانبه موشکی و سامانه‌های دفاعی**

سال ۲۰۰۱ ایالات متحده اعلام کرد به‌صورت یک‌جانبه از معاهده موشک‌های ضدبالستیک خارج خواهد شد. این معاهده که سال ۱۹۷۲ میان آمریکا و شوروی منعقد شده بود، طرفین را متعهد می‌کرد میزان موشک‌های ضدبالستیک خود را به ۲ سایت و حداکثر ۱۰۰ موشک در هر سایت محدود کنند. ولادیمیر پوتین خراج آمریکا از آن معاهده را یک حرکت اشتباه خواند. با این‌حال، ماه مه ۲۰۰۲ توافقنامه دیگری در این عرصه به امضای طرفین رسید که ۲ کشور را در تعداد کلاهک‌های آماده استفاده محدود می‌کرد، نه در میزان ذخایر سلاح‌های هسته‌ای مارس ۲۰۰۷ ایالات متحده اعلام کرد قصد دارد یک سامانه دفاع موشکی را در لهستان بسازد و رادارهای آن را در جمهوری چک مستقر کند. هرچند دلیل استقرار این سامانه موشکی از سوی ایالات متحده، مقابله با تهدیدات بالقوه موشکی ایران و کره‌شمالی عنوان شد، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در واکنش به این تصمیم اعلام کرد در صورتی که آمریکا تصمیم خود را عملی کند، روسیه موشک‌های خود را به سمت لهستان و جمهوری چک نشانه‌گیری خواهد کرد. درگیری‌های لفظی میان ۲ کشور نزدیک به ۲ سال ادامه داشت تا آنکه در نهایت سال ۱۲۰۰۹، آمریکا قرارداد خود را با لهستان لغو کرد. با این حال، نوامبر ۲۰۱۷ اعلام شد آمریکا قصد دارد سامانه موشکی پاتریوت را در لهستان مستقر کند. مارس ۲۰۱۰، دو کشور بر سر توافقنامه‌ای مبنی بر کاهش ذخایر تسلیحات هسته‌ای با یکدیگر به متهم و تهدید کرد این اقدام روسیه را تلاقی خواهد موسوم و اوریل ۲۰۱۰ از سوی اوپاوا و مودوف امضا شد، جایگزین معاهده‌ای شد که سال ۲۰۰۲ میان کشور به امضا رسیده بود. استارت یک سال ۱۹۹۱ میان شوروی و آمریکا به امضا رسید و دسامبر ۲۰۰۹ پایان یافت. جولای سال ۲۰۱۴، ایالات متحده روسیه را به نقض پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میاینرد (۱۹۸۷) متهم و تهدید کرد این اقدام روسیه را تلاقی خواهد کرد. در مقابل نیز، روسیه به تغییر شرایط و اینکه در آن زمان دیگر پیمان مذکور پاسخگوی نیازهای امنیتی این کشور نیست، استناد می‌کرد.

۲-۲- **دخالت در حوزه‌های نفوذ روسیه**

روسیه انقلاب‌های رنگی رخ‌داده در کشورهای گرجستان و اوکراین را دخالت غرب (بویژه ایالات متحده) در حوزه نفوذ و منافع خویش ارزیابی کرده است. مقامات این کشور سازمان‌های مردم‌نهاد طرفدار غرب را مقصر اصلی در آن وقایع می‌دانستند که با کمک به فعالان و دامن زن به جنبش‌ها، باعث سرنگونی دولت‌های مستقر شده بودند.

۲-۳- **اتهامات متقابل دخالت در امور داخلی از سوی ۲ کشور**

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف روسیه و ایالات متحده، اتهاماتی است که هر کدام از طرفین علیه طرف دیگر مبنی بر دخالت در امور داخلی وارد آورده‌اند. جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا با سفر به روسیه در ماه مارس سال ۲۰۱۱، در دیدار با فعالان حقوق‌یشر و برخی مخالفان پوتین، اظهار داشت به نفع روسیه است پوتین در انتخابات سال ۲۰۱۲ شرکت نکند. پوتین نیز در مقابل، ایالات متحده را به دخالت در امور داخلی روسیه متهم کرد و گفت چنین اقداماتی پیش از آن نیز در انتخابات سال ۲۰۰۰ از سوی آن کشور انجام شده و در انتخابات سال ۲۰۱۲، حالتی ته‌اجمی‌تر به خود گرفته است، اما یکی از مناقشه‌برانگیزترین رویدادهای میان ۲ کشور، انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا و اتهام بی‌سابقه به روسیه مبنی بر مداخله در امور داخلی ایالات متحده بود. مقامات امنیتی این کشور روسیه را به حملات سایبری گسترده و افشای اطلاعات، با هدف تحت تأثیر قرار دادن نتیجه انتخابات (از طریق تخریب وجهه هیلاری کلینتون) و اعتبار‌زایی از نظام سیاسی ایالات متحده متهم کردند.

۲-۴- **الحاق کریمه**

پس از سقوط دولت اوکراین به ریاست ویکتور یانوکویچ در فوریه ۲۰۱۴، روسیه با اشغال کریمه

یک فراندوم را جهت ضمیمه کردن آن به خاک خود انجام داد و بر اساس نتیجه آن، مارس ۲۰۱۴ به‌صورت رسمی کریمه را به خاک خود منضم کرد. ایالات متحده قطعنامه‌ای به شورای امنیت ارائه کرد که در آن نظرسنجی انجام شده در کریمه، غیرقانونی اعلام شده بود اما آن قطعنامه با وتوی روسیه عملاً مسدود شد. وزیر خارجه آمریکا عمل روسیه را «یک اقدام قرن نوزدهمی در قرن بیست‌ویک» توصیف کرد و در همان ماه، عضویت روسیه در گروه ۸ (جی ۸) از سوی ایالات متحده و متحدانش تعلیق شد. همچنین از آن سال به بعد سلسله‌ای از تحریم‌های غربی و آمریکایی علیه روسیه اعمال شد که روابط ۲ کشور را روزبه‌روز بغرنج‌تر کرد.

۵-۲- **بحران سوریه**

پس از گذشت ۴ سال از آغاز جنگ داخلی در سوریه، روسیه با درخواست رسمی دولت آن کشور، ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی با ورود جدی به موضوع، به پشتیبانی هوایی از ارتش سوریه پرداخت. این در حالی بود که ایالات متحده از آغاز بحران، به اعمال تحریم علیه دولت سوریه و پشتیبانی مالی و نظامی از تروریست‌های حاضر در آن کشور پرداخته بود. عمده‌ترین مسأله مورد اختلاف آمریکا و روسیه در موضوع سوریه را می‌توان سرنوشت بشار اسد دانست. ایالات متحده به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرفت اسد باید جزئی از راه‌حل سیاسی در آینده سوریه باشد، درحالی‌که روسیه بر این امر اصرار داشت. مجموعه اختلافاتی که میان روسیه و آمریکا به وجود آمد به حدی بود که ویتالی چور کین، نماینده فقید روسیه در سازمان ملل، روابط ۲ کشور را از سال ۱۹۷۳ (جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی) به بعد در بدترین وضعیت ممکن توصیف کرد.

۳- **روسیه در اسناد راهبردی ایالات متحده**

با توجه به اینکه بررسی دیدگاه ایالات متحده قبال روسیه در اسناد راهبردی این کشور، خود مجالی جدا می‌طلبد، در این بخش تنها به این دیدگاه در اسناد راهبردی منتشر شده در دولت ترامپ پرداخته می‌شود. در دولت مذکور، طی حدود یک سال گذشته ۳ سند راهبردی منتشر شده است که عبارت‌ند از: راهبرد امنیت ملی، بازبینی وضعیت هسته‌ای و راهبرد دفاعی ایالات متحده ۳-۱- **راهبرد امنیت ملی** در اوایلن راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در دوره ترامپ، روسیه در کنار چین، به‌عنوان کشوری تجدیدنظرطلب معرفی شده که نفوذ آمریکا را به چالش کشیده و تلاش دارد امنیت و رفاه آن کشور را تهدید کند. راهبرد امنیت ملی آمریکا همچنین روسیه را به تلاش برای بسته‌تر کردن اقتصاد، توسعه نیروی نظامی، کنترل اطلاعات، سرکوب جوامع و بی‌سابقه خویشت متهم کرده است. به‌صورت کلی، اتهامات زیر در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده علیه روسیه مطرح شده است:

- تلاش برای توسعه توانمندی‌ها و تسلیحاتی که بتوانند زیرساخت‌های حیاتی و ساختار کنترل و تسلیحات آمریکا را مورد تهدید قرار دهند.

- استفاده از جریان اطلاعات و ابزارهای آن، جهت سست کردن پایه‌های دموکراسی

- تلاش برای ایجاد یک نظم جهانی در تقابل با ارزش‌ها و منافع ایالات متحده

- تلاش برای بازبلی قدرت خویش و ایجاد حوزه‌های نفوذ در اطراف مرزهای آن کشور

- تضعیف نفوذ آمریکا در جهان و جدا کردن آن کشور از متحدانش

- سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های نظامی (از قبیل توانمندی‌های هسته‌ای) که تهدیدی علیه موجودیت ایالات متحده است.

- سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های بی‌ثبات‌ساز سایبری و استفاده از این توان برای تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی در سراسر جهان

- دخالت در امور سیاسی داخلی دیگر کشورها با مدرن‌سازی تاکتیک‌های براندازانه

-به چالش کشیدن مزیت‌های ژئوپلیتیک ایالات متحده

- تلاش برای تغییر نظم جهانی به نفع خود

- تمرکز سرمایه‌گذاری در جهان درحال‌توسعه جهت

- کسب مزیت‌های رقابتی علیه ایالات متحده

-اعمال نفوذ اقتصادی در بخش‌هایی از اروپا و آسیای مرکزی از طریق کنترل انرژی و دیگر زیرساخت‌های کلیدی

- تلاش برای تضعیف اعتبار تعهد آمریکا در قبال اروپا و تضعیف اتحادفراترآتلانتیکی

- تلاش برای تضعیف نهادها و دولت‌های اروپایی

-اراده جهت خدشه بر حاکمیت دولت‌های منطقه

-ارباب همسایگان از طریق رفتارهای تهدیدآمیز هسته‌ای و نظامی

- تلاش برای تداوم سیاست‌های شکست‌خورده جنگ

-سرد از طریق تقویت متحدان کوبایی این کشور.

۲-۳- **سند بازبینی وضعیت هسته‌ای**

آخرین نسخه این سند که اوایل فوریه ۲۰۱۸ منتشر شد، اتهاماتی را در حوزه‌های نظامی و هسته‌ای متوجه روسیه کرده و عملاً آن کشور را مورد تهدید قرار

روابط آمریکا و روسیه؛ مسائل و چشم‌انداز

شبیه جنگ سرد

- میلاد معین الدینی

داده است. در این سند ادعا شده روسیه، ایالات متحده و ناتو را مواععی در راستای تحقق اهداف بی‌ثبات کننده ژئوپلیتیک خود در منطقه اوراسیا می‌بیند. روسیه ظرفیت نیروهای غیرهسته‌ای آمریکا را جهت اعمال نفوذ بر مناطق پیرامون خود افزایش داده و بسیاری از تعهدات مهم خود را زیر پا گذاشته است. سیاست‌ها و راهبردهای امنیت ملی روسیه مشتمل بر استفاده اولیه محدود از سلاح‌های هسته‌ای جهت تغییر موازنه در هرگونه جنگ احتمالی علیه خود است؛ این رویکرد، از سوی برخی محافل آمریکایی به دکترین «شدید» جهت عدم تشدید» معروف شده است. به این معنی که روسیه در ابتدای هرگونه درگیری، با استفاده محدود و اولیه از تسلیحات هسته‌ای به‌گونه‌ای که طرف مقابل توان «ضربه دوم» را از دست بدهد، توازن را به نفع خود تغییر داده و از شدت‌یابی منازعه به ضرر خود در آینده جلوگیری به عمل می‌آورد. در این سند آمده است ایالات متحده تحت هر شرایطی قادر خواهد بود ارزشمندترین داشته‌های رهبران روسیه را تحت خطر قرار دهد. همچنین ذکر شده بازدارندگی مؤثر ایالات متحده در مقابل روسیه، باید آن کشور را متوجه عواقب هر گونه محاسبه غلط راجع به استفاده اولیه و محدود از تسلیحات اتمی کند و آمریکا را قادر کند اهداف مختلفی را در طول هر بحران یا منازعه‌ای، با خطر مواجه کند.

۲-۳- **سند راهبرد دفاعی ایالات متحده**

خلاصه آخرین سند راهبرد دفاعی آمریکا که اوایل سال جاری میلادی منتشر شد، عملاً وزارت دفاع ایالات متحده را به سمت روبرواری با روسیه و چین سوق داده است. در این خلاصه ۱۱ صفحه‌ای ۱۰ بار از روسیه نام برده شده که در همه موارد، این کشور تهدید و چالشی علیه امنیت آمریکا و اروپا عنوان شده است. مطابق این سند، به دلیل مقیاس آبیایی تهدیدی که روسیه و چین متوجه امنیت و رفاه ایالات متحده می‌کنند و پتانسیلی که برای افزایش این تهدید وجود دارد، رقابت راهبردی با این دو کشور اولویت اصلی وزارت دفاع ایالات متحده است که سرمایه‌گذاری بالایی می‌طلبد. اهم مسأله‌لی که در این سند علیه روسیه ادعا شده است، عبارت‌ند از:

- تجاوز به کشورهای همسایه

- تلاش برای استفاده از نوعی حق وتو علیه تصمیمات دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی کشورهای همسلیه

- تلاش برای ایجاد یک جهان منطقه با الگوی اقتدارگرایانه‌خود

- تلاش برای متلاشی کردن سلازمان پیمان آتلانتیک‌شمالی

- تلاش برای تغییر ساختارهای اقتصادی و امنیتی غرب آسیا به نفع خود

- تضعیف نظم بین‌المللی کنونی از داخل آن نظام، با استفاده از مزیت‌ها و زیر پا گذاشتن قوانین آن.

از آنجایی که استخراج این دیدگاه از مواضع دولتمردان آمریکایی در این یادداشت نمی‌گنجد، این موضوع از اسناد مهم و بالادستی این کشور استخراج شده است.

۴- **ایالات متحده در اسناد راهبردی روسیه**

پیش از بررسی اسناد راهبردی روسیه، باید متذکر شد اسناد راهبردی این کشور همانند ایالات متحده به صورت سالانه منتشر نمی‌شود و آخرین اسناد راهبردی مرتبط با سیاست خارجی و امنیتی این کشور، مربوط به سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ است.

۱-۴- **راهبرد امنیت ملی**

این سند که دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی از سوی ولادیمیر پوتین ابلاغ شد، اشاراتی «هرچند کوتاه» به ایالات متحده دارد. بند ۱۲ این سند، علت مخالفت ایالات متحده و متحدانش با روسیه، توسعه سیاست خارجی و داخلی مستقل از سوی این کشور دانسته و سیاست مهار روسیه را شکل دهنده فشارهای وارده بر این کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌داند. بند ۱۷ راهبرد امنیت ملی روسیه، تنش‌آفرینی‌های غرب در منطقه اوراسیا را دارای تأثیراتی منفی بر منافع آن کشور دانسته و اظهار می‌دارد: «حمایت آمریکا و اتحادیه اروپایی از کودتای ضد قانون اساسی در اوکراین، به وجود آورنده رنشه‌ای از ناامنی‌ها در اروپا و در نزدیکی مرزهای روسیه بوده است.»

۲-۴- **سند راهبردی سیاست خارجی فدراسیون روسیه**

آخرین سند راهبردی مرتبط با سیاست خارجی روسیه، «سند راهبردی سیاست خارجی فدراسیون روسیه» است که دسامبر ۲۰۱۶ انتشار یافت. مطابق این سند، با توجه به آنکه این کشور خود را در کنار ایالات متحده دارای مسؤولیت ویژه‌ای جهت تأمین ثبات استراتژیک در سطح جهان و امنیت بین‌الملل می‌داند، خواهان روابط متقابل دوستانه با این کشور است. همچنین روسیه بر این باور است که تنش‌گوو با آمریکا راجع به مسألهٔ دوجانبه و بین‌المللی تنها در صورتی می‌تواند پیش رود که از مواضع برابر، بر اساس اعتماد متقابل، با توجه به منافع طرفین و بدون دخالت در امور داخلی باشد. روسیه همچنین

اختیارات و صلاحیت‌های فراسرزمینی‌ای را که ایالات متحده ورای حقوق بین‌الملل برای خود قائل است به رسمیت نشناخته و هرگونه تلاش جهت اعمال فشار نظامی، سیاسی، اقتصادی یا هر نوع دیگر از فشار را غیرقابل‌قبول دانسته و این حق را برای خود قائل است که به اقدامات خصمانه پاسخ دهد. این پاسخ، شامل تقویت سامانه‌های دفاعی ملی و اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه یا نامتقارن نیز می‌شود. در این سند، روسیه همچنین به همکاری سازنده با آمریکا معتقد است، در صورتی‌که با توجه به از‌تسایط غیرقابل انکار جنگ‌افزارهای راهبردی ته‌اجمی و تلافعی و ضرورت تبدیل خلع سلاح هسته‌ای به یک پروسه چندجانبه باشد. این کشور همچنین معتقد است گفت‌وگوهای بیشتر راجع به کاهش تسلیحات راهبردی ته‌اجمی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که تمام عوامل مؤثر بر ثبات استراتژیک جهان، بدون هیچ استثنایی مدنظر قرار گیرد. این کشور همچنین ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی را در سراسر جهان، تهدیدی علیه امنیت ملی خود دانسته و حق انجام اقدامات تلافی‌جویانه را برای خود قائل شده است. این کشور از گسترش ناتو از شکلات اروپایی انتقاد کرده و آن را تجلی بسیاری از تهدیدات منطقه‌ی یورواتلانتیک طی ۲۵ سال اخیر دانسته است. در سند سیاست خارجی روسیه، آمده است: «سیاست ضد نفوذی که ایالات متحده و متحدان آن کشور علیه روسیه در حال پیگیری‌اند و فشارهایی که از سوی آنها علیه این کشور در حال اعمال است، ثبات منطقه‌ای و جهانی را با چالش مواجه کرده است.»

۵- **چشم‌انداز روابط ۲ کشور و تأثیر آن بر نظم و امنیت بین‌المللی**

همان‌گونه که ذکر شد، روابط روسیه و ایالات متحده طی دهه اخیر روندی را طی کرده که ادامه آن، می‌تواند تضعیف نظم کنونی را در بسیاری از حوزه‌های بین‌المللی در بی‌دشته باشد. با آنکه گمان می‌رفت با آغاز ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده، این روند متوقف یا حداقل کند شود، نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه پیش‌بینی‌ناپذیری و عقابیت غیرمعمول کاخ سفید در این دوره، عملاً چشم‌انداز روشنی را در برابر روابط ۲ کشور قرار نمی‌دهد. وی طی دوران یک ساله ریاست‌جمهوری خود به اقداماتی دست‌زده که نظم بین‌الملل را دست‌کم در حوزه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و تجاری مورد تهدید قرار داده است. تضعیف و حتی تهدید موجودیت پیمان آتلانتیک شمالی، خروج از معاهده زیست‌محیطی پاریس، موشکباران محدود سوریه، خروج از توافق هسته‌ای با ایران، افزایش سطح تنش در شبه‌جزیره کره و دیگر حوزه‌های حیاتی چین و جزقه‌های آغاز یک جنگ جهانی در حوزه تجارت، تنها بخشی از سیاست‌های مخرب ایالات متحده طی یک سال اخیر است. هرچند امروز با سر برآوردن قدرت‌هایی نظیر چین و هند و فروپاشی ابرقدرت شرق، روابط آمریکا و روسیه تأثیر دوران جنگ سرد را بر نظم و امنیت بین‌المللی ندارد، با این حال روابط توأم با تنش با روسیه، نه‌تنها کمکی به حل مسائل مذکور نمی‌کند، بلکه به‌نوعی کاتالیزور این نابسامانی‌ها محسوب می‌شود. روابط خصومت‌آمیز ۲ کشور می‌تواند وضعیت موجود را در حوزه‌های گوناگون از قبیل ساختار شورای امنیت، رژیم‌های کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه هسته‌ای، تجارت آزاد و دیگر حوزه‌ها، دستخوش تغییرات جدی کند.

۶- **جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده، به مدت چند دهه پس از جنگ دوم جهانی یک‌با یکدیگر در چنان رقابتی قرار داشتند که دوره پس از جنگ جهانی تا اندکی پیش از فروپاشی شوروی، به جنگ سرد موسوم شد. این دوره که با مشخصاتی نظیر رقابت‌های تسلیحاتی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و جنگ فرهنگی و رسانه‌ای شناخته می‌شود، پس از فروپاشی شوروی تا مدتی متوقف شد؛ با این حال، با گذشت زمانی نه‌چندان طولانی، واقعیت‌های ژئوپلیتیک بار دیگر خود را بر مناسبات ۲ کشور حاکم کرد. در حال حاضر روسیه و آمریکا در حوزه‌هایی نظیر قراردادهای دوجانبه کنترل تسلیحات، اتهامات متقابل دخالت در امور داخلی یکدیگر، الحاق کریمه و تحریم‌های آمریکا علیه روسیه با یکدیگر اختلاف دارند و بلکه در برخی از این حوزه‌ها در حال نزاع هستند. سطح اختلاف میان ۲ کشور به حدی است که برخی، آن را با منازعات جنگ سرد مقایسه کرده‌اند. بررسی اسناد راهبردی ۲ کشور، بیانگر آن است که هر یک از طرفین، سطح بالایی از تهدید برای طرف مقابل قائل هستند. این تهدید برای ایالات متحده به حدی است که روسیه را در کنار چین، بزرگ‌ترین تهدید در سطح بین‌المللی برای خود به شمار آورده است. تحلیل و بررسی روندها و رویدادهای میان ۲ کشور، نشان داده به‌رغم آنکه گمان می‌شد ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تا حدی از شدت منازعات ۲ کشور بکاهد، سیر اختلافات میان ۲ کشور همچنان ادامه داشته و نشانه‌ای مبنی بر کاهش این اختلافات به چشم نمی‌خورد. تداوم اینگونه روابط می‌تواند در بلندمدت، تأثیراتی مهم در بسیاری از ساختارها و حوزه‌های بین‌المللی بر جا بگذارد.

منبع: تبیین

روزنه

تفاوت نهج‌البلاغه با فلاسفه متقدم

در سبک و روش استدلال

برخی به کلماتی در نهج‌البلاغه از قبیل وجود و عدم و حدوث و قدم و مانند اینها که برخورد‌ه‌اند این فرضیه را پیش آوردند و احتمال داده‌اند که این کلمات و اصطلاحات پس از آنکه فلسفه یونانی وارد دنیای اسلام شده به عمد یا سهو در ردیف کلمات علی(ع) قرار گرفته است. صاحبان این فرضیه اگر از الفاظ عبور کرده به معانی رسیده بودند، چنین فرضی را ابراز نمی‌داشتند. سبک و روش استدلال در نهج‌البلاغه با سبک و روش فلاسفه متقدم و معاصر سید رضی و حتی تاقرن‌ها پس از سید رضی و گردآوری نهج‌البلاغه، صددرصد متفاوت است. البته شک نیست که فلاسفه اسلامی تحت تأثیر و نفوذ تعلیمات اسلامی برخی مسائل را وارد فلسفه کردند، که قبلاً نبود و به علاوه در بیان و توجیه و استدلال بعضی مسائل دیگر ابتکاراتی به‌وجود آوردند. در عین حال با آنچه از نهج‌البلاغه می‌توان استفاده کرد تفاوت‌هایی دارد.

■ **تاریخچه‌اندیشه‌های فلسفی مسلمانان از نظر علامه طباطبائی**

حضرت استاد علامه طباطبائی- روحی فـدـه- در نشریه مکتب تشیع شماره ۲ در مقدمه بحث روایات معارف اسلامی می‌فرمایند: «این بیانات در فلسفه الهیه یک رشته مطالب و مسائل را حل می‌کنند که علاوه بر اینکه در میان مسلمین مطرح نشده بوده و در میان اعراب مفهوم نبوده اساساً در میان کلمات فلاسفه قبل از اسلام که کتب‌شان به عربی نقل شده عنوانی ندارند و در آثار حکمای اسلام که از عرب و عجم پیدا شده و آثاری از خود گذاشته‌اند، یافت نمی‌شوند. این مسائل همانطور در حال ابهام مانده و هر یک از شراح و احثین به حسب اندک خود تفسیر می‌کردند تا تدریجاً راه آنها تا حدی روشن و در قرن ۱۱ هجری حل شده و مفهوم گردیدند، مانند مساله وحدت حقه (وحدت غیرعددی) در واجب و مساله اینکه ثبوت وجود واجب همان ثبوت وحدت او است (وجود واجب چون وجود مطلق است) مسأله با وحدت است) و اینکه واجب معلوم بالذات است و اینکه واجب خود به خود بلاواسطه شناخته می‌شود و همه چیز با واجب شناخته می‌شود نه به عکس…»

منبع:استادشهید مر تقی مطهری
سیری در نهج‌البلاغه

تکته

اولین سند ساواک در باره امام خمینی

سرهنگ قلقسه- رئیس دایره ایالات و مذاهب ساواک - ۲۲ اسفند ۱۳۳۵ که ساواک تازه تأسیس شده بود، در گزارشی که توسط سرهنگ دوم رحمانی درباره حوزه علمیه قم تهیه شده بود، اعلام کرد: «مرجع اول آقای حاج‌حسین طباطبائی‌بروجردی است که بیش از ۵ هزار نفر از طلاب مقیم قم اساس معیشت‌شان با مساعدت ایشان می‌باشد و به هر طلیه به حسب مدارج تحصیل و وضع خانوادگی ماهیانه نقدی و جیره جنسی (حواله نان) تعلق می‌گیرد. بنا بر این گزارش، آقای بروجردی دارای ۲ پیشکار هستند. ۱- آقای حاج احمد که مراقب امور شخصی آیت‌الله است. ۲- آقای شیخ محمدحسین احسن که متصدی دفتر طلاب و مباشرر پرداخت است.» در ادامه گزارش درباره تعداد طلاب آیت‌الله العظمی بروجردی آمده است: «تعداد طلابی که درس خارج استفاده می‌کنند در حدود ۱۳۰۰ نفر می‌باشد که همیشه در معضر درس آیت‌الله در مسجد بالاسر در حدود هزار نفر حاضر می‌شوند». طبق این گزارش «آیت‌الله خمینی با ۵۰۰ طلبه درس خارج، بیشترین تعداد طلبه را بین علمای قم، پس از آیت‌الله بروجردی در کلاس درس خود دارد». در بخش دیگری از این گزارش عنوان شده که آقایان سیدکاظم شریعتمداری و حاج آقا روح‌الله خمینی و سیدمحمدحسین قاضی طباطبائی (علامه طباطبائی) با مسائل اجتماعی علاقه دارند. آنها همچنین تبلیغات و فعالیت منطقی علیه کمونیزم را هم تقویب می‌کنند. علاوه بر این ۳ نفر عموم علما و مدرسین مخالف کمونیسم هستند ولی به دستگاه حاکمه کشور هم‌اعتقادی ندارند.***

منبع: سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱